



Received:
2023-10-30
Revised:
2024-09-13
Accepted:
2025-01-12
Published:
2025-01-14

ISSN: 2538-1857
E-ISSN: 2645-5250



Turkey's territorial expansion in the South Caucasus and its effect on the national security of the Islamic Republic of Iran

Mahdi Elmi¹ | Rebaz Ghorbaninejad² | Mohamad Akhbari³ | Azam Yosefi⁴

Abstract

With the formation of newly independent states and countries, the Caucasus region has provided new opportunities and threats in economic, political and cultural fields for other countries - especially neighboring countries. As a result, regional powers such as Turkey and Iran are trying to increase their influence in this region. Therefore, the present research is descriptive-analytical and by referring to the available library documents and resources, seeking to answer these questions, what are the goals and interests of Turkey in the South Caucasus region, and based on these goals and interests of expanding Turkey's territory in this region. What effect will it have on the national security of the Islamic Republic of Iran? The results of his research showed that the expansion of the territory of Turkey, as analyzed separately in the findings of his research, could affect the national security of the Islamic Republic of Iran and be costly. The existence of conflicting and competitive interests between Iran and Turkey in the Caucasus region and Turkey's focus on this region as its private life has caused competition with the Islamic Republic of Iran and this has made Iran's regional success a challenge and it seems that the republic In order to achieve its national security goals in the South Caucasus region, Islamic Iran must prevent the geopolitical conquest of Turkey by using appropriate strategies.

Keywords: National security; Türkiye; Islamic Republic of Iran; South Caucasus; territorial expansion.

1. Corresponding author: Ph.D. student of Political Geography, Faculty of Geography, University of Research Sciences, Tehran, Iran
2. Assistant Professor of Political Geography, Faculty of Geography, University of Research Sciences, Tehran, Iran
3. Assistant Professor of Political Geography, Faculty of Geography, Tehran Central Azad University, Tehran, Iran
4. Assistant Professor of Political Geography, Faculty of Geography, Azad University, Saveh Branch, Saveh, Iran

DOR: 20.1001.1.25381857.1403.17.64.6.5

Publisher: Imam Hussein University

This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).

© Authors





مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۹
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۲۳
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۳
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۲۵

شابا چاپی: ۲۵۳۸-۱۸۵۷
الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۲۵۰



قلمرو گستری ترکیه در قفقاز جنوبی و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

مهدی علمی^۱ | ریباز قربانی^۲ | محمد اخباری^۳ | اعظم یوسفی^۴

چکیده

منطقه‌ی قفقاز با تشکیل دولت‌ها و کشورهای تازه استقلال یافته، فرصت‌ها و تهدیدهای جدیدی در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برای کشورهای دیگر- به ویژه کشورهای همسایه- فراهم کرده است. در نتیجه، قدرت‌های منطقه‌ای مانند ترکیه و ایران سعی در افزایش نفوذ خود در این منطقه را دارند. اهمیت تاریخی، ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک منطقه قفقاز جنوبی برای جمهوری اسلامی ایران از یک طرف، پیامدهای امنیتی اهداف و منافع ملی کشور ترکیه که با کنش گری فعالانه در سطح این منطقه به دنبال تامین آن است از سوی دیگر، ضرورت توجه به این منطقه را برای جمهوری اسلامی ایران بیش از پیش نمایان می‌سازد. لذا پژوهش حاضر به روش توصیفی- تحلیلی و با مراجعه به اسناد و منابع کتابخانه‌ای موجود به دنبال پاسخگویی به این سوالات که اهداف و علایق کشور ترکیه در منطقه قفقاز جنوبی چه می‌باشند و برگرفته از این اهداف و علایق قلمرو گستری ترکیه در این منطقه چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت، انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد قلمرو گستری کشور ترکیه همانطور که به تفکیک در یافته‌های پژوهش مورد بررسی قرار می‌توانند امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را متاثر کرده و هزینه‌زا باشند. وجود علائق متضاد و رقابتی بین ایران و ترکیه در حوزه قفقاز و تمرکز ترکیه بر این منطقه به عنوان حیات خلوت خود باعث رقابت با جمهوری اسلامی ایران شده و این امر، موفقیت منطقه‌ای ایران را با چالش روبرو ساخته است و به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران برای تامین اهداف امنیت ملی خود در منطقه قفقاز جنوبی باید با استفاده از راهبردهای مناسب، مانع از استیلای ژئوپلیتیکی ترکیه گردد.

کلیدواژه‌ها: امنیت ملی، ترکیه، جمهوری اسلامی ایران، قفقاز جنوبی، قلمرو گستری

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشکده جغرافیا دانشگاه علوم تحقیقات، تهران، ایران

mahdielmi769@gmail.com

۲. استادیار جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه علوم تحقیقات، تهران، ایران

۳. استادیار جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، تهران، ایران

۴. استادیار جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه آزاد واحد ساوه، ساوه، ایران

DOR: 20.1001.1.25381857.1403.17.64.6.5



نویسندگان ©

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لپسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

تأمین امنیت ملی و توسعه‌ی دامنه‌ی آن، یکی از مهمترین اهداف کشورهای مختلف در عرصه‌ی روابط بین‌الملل است، به نحوی که می‌توان اشاره کرد یکی از اصلی‌ترین نگرانی‌های دولت‌ها و همچنین اساس سیاست خارجی کشورهای مختلف جهان، دسترسی به سطح بالایی از امنیت ملی است. در همین راستا، برقراری روابط سیاسی-اقتصادی، تقویت قدرت نظامی-دفاعی، مشارکت در پیمان‌های نظامی و همراهی با نظام امنیت دسته‌جمعی همگی در راستای دستیابی به این هدف می‌باشد. یکی از اهداف جمهوری اسلامی ایران نیز، کسب جایگاه منطقه‌ای برتر در عرصه‌های گوناگون است (جونقانی، طاقتی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۰۴).

فروپاشی شوروی و تشکیل جمهوری‌های استقلال یافته آن در منطقه‌ی قفقاز و خلاء ژئوپلیتیک بوجود آمده ناشی از نابودی حاکمیت و استیلای قدرت مسلط آن، بر اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیکی این منطقه افزوده است (فیروزکوهی، ۱۳۹۲: ۲) که خود محلی برای رقابت‌ها و منازعات قدرت‌های بزرگ از جمله: ایران، روسیه، عثمانی (ترکیه امروزی)، انگلستان و حتی امروزه آمریکا بوده و موجب تلاش این کشورها برای دخالت و تأمین منافع و افزایش قدرت ملی با بهره‌برداری از منابع مختلف این مناطق می‌باشد (جعفری ولدانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۵). بنابراین امروزه قفقاز جنوبی صحنه‌ی رقابت و کشمکش‌های فراوان قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای شده است.

دو کشور جمهوری اسلامی ایران و ترکیه، به عنوان دو قدرت بزرگ منطقه؛ با داشتن مؤلفه‌های مختلف توان ملی، به علت همجواری با منطقه و بهره‌گیری از فرصت‌ها، مدیریت بحران‌های پیش روی ناشی از خلا قدرت یا برهم خوردن توازن قدرت در منطقه و متشر شدن از شرایط امنیتی توسعه یا عدم توسعه منطقه به دنبال ایفای نقش تأثیرگذارتر می‌باشند (جانسیز، ا. و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۴۳).

هر دو کشور دارای علایق و اهداف خاص در منطقه بوده و تبعاً دستیابی هر کدام به اهداف فوق‌الذکر سبب برهم خوردن نظم منطقه‌ای شده و توازن قدرت را به ضرر طرف مقابل متاثر کرده و بر امنیت ملی کشور طرف دوم اثرگذار خواهد بود بنابراین توجه به قلمروسازی و

قلمرو گسترتری ترکیه ضروری است، چرا که به صورت قطعی افزایش حوزه نفوذ و قلمرو ترکیه در این منطقه در نهایت حوزه نفوذ جمهوری اسلامی ایران و اهداف و منافع این کشور را مورد چالش قرار خواهد داد و موجب ایجاد تهدیدات داخلی نظیر اثر گذاری بر تمامیت ارضی یا دخالت و تلاش برای تضعیف جنبه های مختلف حاکمیتی در استان های آذری نشین ایران خواهد گشت. بنابراین پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به سوالات زیر می باشد:

- ۱- قلمرو گسترتری ترکیه در قفقاز جنوبی چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد؟
- ۲- دو کشور جمهوری اسلامی ایران و ترکیه چه قلمروها و علائقی در منطقه ی قفقاز جنوبی دارند؟

مبانی نظری

قلمروخواهی و قلمرو گسترگی

قلمروخواهی یا تعریف حدود جغرافیایی حوزه نفوذ و قدرت یکی از متداول ترین راهبردهای اعمال حاکمیت است (COX، ۲۰۰۲: ۴). (واژه ی قلمرو، ناظر به فضای محدود شده ای است که افراد و گروه ها از آن به عنوان محدوده ی اختصاصی استفاده و دفاع می کنند. در حوزه ی رفتار انسان اجتماعی، قلمرو بخشی از سطح زمین است که گروهی خاص یا موجودیتی سیاسی مدعی مالکیت و حاکمیت بر آن است. امروزه، قلمرو گستره ی فضایی قدرت یک کشور و منابع مادی تأمین کننده ی آن قدرت است (کاویانی راد، ۱۳۹۲، ص ۴۵). (مویر، ۱۳۷۹، ص ۳). بنابراین، قلمروها نشان دهنده ی اعمال قدرت بر فضا هستند که در عالی ترین سطح در قالب کشور-ملت ها سربر آورده اند. به فراخور وسعت و توان مادی، قلمروهای مختلفی وجود دارد که زمینه ی بروز کنش های متنوعی از همکاری تا جنگ ساکنان هستند منازعات قلمرو خواهی، غالباً مصنوعی بوده و به گونه ای است که از وارد آمدن صدمات جدی به رقبا جلوگیری می شود و در برخی موارد، رسوم، جایگزین رقابت فیزیکی قدرت می شود (آییل - آیشفلت، ۱۹۷۸، ص ۴۱).

قلمرو گسترگی

کوشش انسانی خواه به گونه انفرادی یا جمعی را برای نظارت انحصاری بر گستره ی مشخصی از فضای جغرافیایی را قلمروسازی (قلمرو آرای) تعریف کرده اند (کاویانی، ۱۳۹۲: ۴۴). در این تعریف از قلمروسازی، عناصر سه گانه ی سرزمین یا مکان جغرافیایی، مرز برای تشخیص

محدوده مکانی-فضایی و حاکمیت و مالکیت توسط انسان سه جزء اصلی به شمار می‌روند (Jones et al, 2004: 175). ادوارد سوچا نیز قلمروسازی را پدیده‌ای رفتاری می‌داند که پیوستگی بسیار نزدیکی با سازماندهی فضا به صورت مناطق نفوذ دارد (حافظ نیا و کاویانی، ۱۳۹۳: ۱۹۴). به نظر رونالد جانستون قلمروسازی راهبردی است که با استفاده از آن، افراد و گروه‌های انسانی به اعمال نظارت انحصاری بر بخش مشخص و محدوده‌ی معینی از فضا می‌پردازند (میرحیدر، ۱۳۸۴: ۱۵).

امنیت ملی

مفهوم «امنیت ملی»، مانند دیگر مفاهیم در علوم انسانی دارای تعریف واحد و مورد قبول بیشتر صاحب نظران نیست. ریشه این عدم اتفاق نیز به تلاش افراد، گروه‌ها و کشورها در تلقی و برداشت متفاوت آنها از این واژه باز می‌گردد. شاید علت این عدم اتفاق گستردگی و کلیت اکثر مسایل و ارزش‌های انسانی، اجتماعی است که همگی تحت تأثیر این مفهوم قرار دارند (رادمهر، ۱۳۸۴، ص ۱۱۶). در دایرة المعارف علوم اجتماعی واژه «امنیت ملی»، «توان یک ملت در حفظ ارزش‌های داخلی از تهدیدات خارجی» تعریف شده است (همشهری، ۱۳۷۲، ص ۲). سازمان ملل متحد طی پژوهشی در این زمینه با عنوان «مفاهیم امنیت» آن را چنین تعریف می‌کند: «این که کشورها هیچگونه احساس خطر «حمله نظامی، فشار سیاسی یا اقتصادی» نکرده و بتوانند آزادانه گسترش و توسعه خویش را تعقیب کنند» (قاسمی، ۱۳۷۲، ص ۵۴). امنیت ملی عبارتست از: «اساس آزادی کشور در تعقیب هدف‌های اساسی و فقدان ترس و خطر جدی از خارج نسبت به منافع سیاسی اساسی و حیاتی است» (آقابخش، ۱۳۶۳، ص ۱۷۳).

پیشینه پژوهش

حمید درج، ۱۴۰۲، در پژوهش خود با موضوع سیاست خارجی ترکیه در قفقاز جنوبی و تأثیر آن بر قلمروی نفوذ این کشور در منطقه (۲۰۲۲-۱۹۹۱)، با کاربست نظریه واقع‌گرایی، در یافته‌های خود نشان می‌دهد که حضور روزافزون ترکیه در معادلات انرژی منطقه و نقش آفرینی فعال این کشور در تحولات سیاسی و امنیتی قره‌باغ و اوکراین (اگرچه در قلمروی سرزمینی قفقاز

جنوبی نیست)، ضمن افزایش نفوذ و تقویت منافع منطقه‌ای آنکارا، تأثیری مستقیم بر منافع و نفوذ منطقه‌ای مسکو داشته است.

گودرزی، مهناز، معبودی نژاد، فرشته، ۱۳۹۵، در پژوهشی با موضوع قدرت نرم ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی، معتقدند قدرت نرم و دیپلماسی عمومی ترکیه با بهره‌گیری از سه عنصر زبان، تاریخ مشترک و اقتصاد پی‌ریزی شده که با توسعه و عمق بخشیدن به آن به اقدامی چند وجهی در ابعاد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی تبدیل شده است و اکنون به واسطه آن، ترکیه خواهان تبدیل به یک قدرت منطقه‌ای تاثیرگذار در رقابت با سایر قدرت‌های منطقه‌ای است؛ همچنین این کشور در این عرصه در دو دهه گذشته توانست به موفقیت‌هایی دست یابد و از خود تصویر مثبتی ایجاد نماید.

پرویز ورجاوند (۱۳۷۸)، در کتاب خود با عنوان: «ایران و قفقاز (اران و شروان)»، با بررسی تاریخ و فرهنگ منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، با هدف بازشناسی و معرفی پیوندهای دیرین و همبستگی‌های تاریخی و فرهنگی آن با سرزمین مادر ایران پرداختند. با توجه به اینکه، این منطقه از آغاز تاریخ تا زمان تجزیه در قرن نوزدهم، پاره‌ای از کشور ایران بوده است. بررسی‌ها نشان داد تاکنون تحقیقات جامعی در مورد ارتباط با قلمرو گسترده ترکیه و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی صورت نگرفته است که در این تحقیق در مورد آن بحث می‌گردد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ روش توصیفی-تحلیلی بوده و به منظور گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی داخلی و خارجی مانند نشریات، مقالات، اسناد و سایت‌های اینترنتی استفاده شده است.

محدوده مورد مطالعه

منطقه قفقاز جنوبی شامل کشورهای ایران، ترکیه، آذربایجان شرقی، ارمنستان و گرجستان می‌باشد.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های پژوهش حاضر در پاسخ به سوالات پژوهش، در دو بخش قلمروها و علائق ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی و سپس بررسی تأثیر قلمروگستری ترکیه در این منطقه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ارائه شده است.

جایگاه منطقه قفقاز جنوبی در استراتژی‌های ملی ایران و ترکیه

گرجستان، آذربایجان و ارمنستان؛ سه کشور قفقاز جنوبی پیچیده‌ترین، قابل احتراق و ناپایدارترین منطقه اتحاد جماهیر شوروی سابق را تشکیل می‌دهند. این منطقه که در تقاطع اروپا، آسیا و خاورمیانه قرار دارد، به طور سنتی نقش مهمی به عنوان کریدور ترانزیتی ایفا کرده و نقطه تلاقی تمدن‌های باستانی مانند ایران، روسیه، اروپا و چین بوده است. از سوی دیگر در این منطقه آنها دارای ویژگی‌های منحصر بفردی شامل منابع انرژی و مسیرهای حمل و نقل، امنیت و دسترسی به بازارهای مصرف در این مناطق و از طریق این مناطق می‌باشند که همواره در طول تاریخ چند سده گذشته وجود داشته است.

با این حال، موقعیت ژئوپلیتیکی مهم قفقاز جنوبی به همان اندازه که دارای فرصت‌های ارزشمندی برای کشورهای منطقه است، مسئولیت‌هایی نیز دارد (Cornell 2004:126). با کاهش نقش و نفوذ روسیه در قفقاز و آسیای مرکزی در اوایل دهه ۱۹۹۰ همراه با تلاش مصمم کشورهای منطقه برای تنوع بخشیدن به روابط خود با جهان خارج، دروازه‌هایی برای بازیگران خارجی برای مشارکت در منطقه باز شد. بنابراین، پس از پایان جنگ سرد، قفقاز جنوبی به عنوان یک منطقه کلیدی در رقابت ژئوپلیتیکی بین قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی ظاهر شد. کشورهای قفقاز جنوبی شامل ارمنستان، آذربایجان و گرجستان به طور مداوم در تلاشند تا در روابط خود با ایالات متحده، روسیه، ترکیه و ایران تعادل ایجاد کنند. ارمنستان برای مقابله با محور ترکیه و آذربایجان روابط سیاسی و اقتصادی قوی با ایران ایجاد کرده است. آذربایجان به دنبال تقویت پیوندهای خود با غرب، به ویژه ایالات متحده، به عنوان منبع اصلی حمایت دیپلماتیک و اقتصادی فرامنطقه‌ای خود است، در حالی که نسبت به اهداف و سیاست‌ها و استراتژی‌های روسیه و ایران در منطقه محتاط است. به ویژه پس از جنگ سال ۲۰۰۸ با روسیه و از دست دادن استان‌های

آبخازیا و اوستیای جنوبی، گرجستان پیوندهای خود را با قدرت‌ها و ساختارهای غربی مجدداً سازماندهی کرده و پیوند داده و در عین حال روابط خود با ترکیه را تقویت کرده است. هم ترکیه و هم ایران در تلاش برای افزایش نفوذ خود در منطقه و در عین حال ارتقای منافع ملی خود در عرصه بین‌المللی هستند. بنابراین انگیزه‌های پنهان رقابت و منازعه همه این بازیگران در منطقه و سیاست‌های آنها به دور از مکمل بودن، متفاوت و اغلب متناقض است. با این حال برای درک بهتر و تحلیل آگاهانه‌تر روابط و سیاست‌های بازیگران منطقه‌ای و خارجی، مروری بر اهداف و انگیزه‌های آنها ضروری است بنابراین در پاسخ به سوال دوم پژوهش که بررسی جایگاه منطقه قفقاز جنوبی در استراتژی‌های ملی ایران و ترکیه و علایق این کشورها در این منطقه است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

اهمیت و جایگاه قفقاز جنوبی در استراتژی‌های ملی ترکیه

یکی از بازیگران مهم منطقه‌ای در قفقاز، ترکیه می‌باشد. این کشور اهداف و علایق فراوانی را دنبال می‌کند و مواردی چند را می‌توان بعنوان زمینه‌های تسهیل نفوذ ترکیه در قفقاز اشاره کرد، که از آن جمله؛ مجاورت جغرافیایی با این منطقه می‌باشد. ترکیه کنونی ۶۱۰ کیلومتر با قفقاز مرز مشترک دارد و جنوب غربی قفقاز را در بر می‌گیرد. علاوه بر مرز زمینی، ترکیه در دریای سیاه نیز با قفقاز مرز مشترک آبی دارد. یکی دیگر از موارد تسهیل‌کننده نفوذ ترکیه و به اصطلاح فرصت‌های این کشور، سابقه تاریخی مشترک با قفقاز است. تا قبل از تاسیس ترکیه در ۱۹۲۳م، امپراتوری عثمانی نقش فعالی در قفقاز داشت. در قرون ۱۸ و ۱۹، قسمت‌های غربی قفقاز در سواحل دریای سیاه در قلمرو امپراتوری عثمانی قرار داشت. همچنین پیوندهای نزدیک قومی، زبانی و فرهنگی در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز و الگوی حکومت سکولار و متمایل به غرب ترکیه، در اوایل استقلال جمهوری‌ها بسیار برجسته بود و علاقه‌مندان زیادی را در این کشورها جذب نمود (Evanthia Balla, 2013:2).

علاوه بر فرصت‌های موجود، ترکیه با محدودیت‌ها، موانع و چالش‌هایی نیز روبه‌روست. برخی از این موانع عبارتند از: تضاد جدی بین ترکیه و روسیه، نداشتن امکان تمرکز در قفقاز به علت موقعیت جغرافیایی ترکیه. دسترسی ضعیف تر، شورش داخلی کردها و منازعه دائمی با ایشان در مرزهای سوریه و عراق، مشکلات اقتصادی و بالا بودن نرخ تورم، بالا بودن میزان

بدهی‌ها و نوسانات اقتصادی ناشی از کنش با کشورهای غربی نظیر آمریکا به صورت مقطعی، نوسازی دفاعی بلند مدت در مقیاس وسیع که نیاز به هزینه‌های زیادی دارد، ظرفیت اقتصادی محدود، ضعف هویت ملی، خیزش اسلام‌گرایی در داخل ترکیه و وابستگی به انرژی کشورهای همسایه. علاوه بر این موارد، بزرگترین مانع ترکیه جغرافیای است که به جز چند کیلومتر مرز مشترک با جمهوری خود مختار نخجوان، هیچ راه گسترده زمینی دسترسی به کشورهای قفقاز و جمهوری آذربایجان را ندارد.

اهداف و علایق ترکیه در قفقاز عبارتند از:

- گسترش و نفوذ در قفقاز از طریق ترویج ایده نژاد پرستانه پان ترکیسم
- تقویت راه ارتباط زمینی بلاواسطه به منطقه و شرکت فعال در سیستم دفاعی و امنیتی آذربایجان و گرجستان.
- افزایش نقش آفرینی ژئوپلیتیکی در منطقه قفقاز
- به دست آوردن سهم بالا در بازارهای اقتصادی منطقه و سهم شدن در منابع انرژی منطقه و خطوط انتقال آن به بازارهای جهانی و برطرف ساختن نیازهای داخلی ترکیه به انرژی و اخذ منافع اقتصادی حاصل از ترانزیت انرژی
- ارتقای جایگاه ترکیه در نظام بین المللی از طریق تقویت نقش ارتباطی در منطقه و گوشزد کردن آن به اتحادیه اروپا.
- ارائه مدل سکولاریسم برای کشورهای منطقه و تلاش برای پذیرش این مدل از جانب آن‌ها.
- ایفای نقش حلقه ارتباطی بین کشورهای قفقاز با غرب و قرار گرفتن به عنوان الگوی مناسب و توسعه از جانب بعضی از کشورهای منطقه.
- تلاش برای کاهش نفوذ سنتی روسیه در قفقاز و کاهش فشار روسیه بر آذربایجان و گرجستان
- قلمداد کردن منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به عنوان جزئی از قلمرو فرهنگی و تاریخی خود

- رقابت با ایران و جلوگیری از پیاده شدن الگوی حکومتی، فرهنگی، فکری و هویتی آن در منطقه
- کنترل و تاثیر گذاری بر مناسبات ارمنستان-آذربایجان (داود اغلو، ۱۳۹۵، ۱۶۴).

اهمیت و جایگاه قفقاز جنوبی در استراتژی های ملی ایران

همانند ترکیه، ایران نیز در قفقاز جنوبی دارای پیوندهای فرهنگی و تاریخی کهن، مجاورت و موقعیت جغرافیایی مناسب بوده و از سوی دیگر با چالش‌هایی نیز در این منطقه مواجه می‌باشد. از جمله؛ بی‌ثباتی سیاسی داخلی این کشورها و اختلاف‌های مختلف قومی- مذهبی در بین آنها که ممکن است به جنگ‌های منطقه‌ای منجر شود و امنیت ایران را تحت تاثیر قرار دهد. وجود اقلیت‌های قومی- مذهبی در مناطق مرزی داخل ایران مانند آذری‌ها در مرز آذربایجان، بر پیچیدگی‌های امنیتی افزوده است. همچنین توانایی آمریکا و کشورهای غربی و اسرائیل برای نفوذ در کشورهای منطقه به خاطر ضعف‌های گوناگون کشورهای تازه استقلال یافته و وجود خلاهای ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، گسترش ناتو به شرق و غیره می‌تواند تاثیر قاطعی بر ملاحظات امنیتی ایران بگذارد. از نظر بعضی از صاحب‌نظران جغرافیای سیاسی، مهمترین تهدید امنیتی ایران، اتحادی است که در منطقه خزر با شرکت آمریکا، اسرائیل، ترکیه و جمهوری آذربایجان شکل گرفته است. این محور استراتژیک، منطقه شمال ایران را تهدید می‌کند و در این وضعیت ایران باید به سوی سیاست موازنه متقابل رفته و با ایجاد ترتیباتی با شرکت چین، هند و روسیه دقت کند. تهدیدهای زیست محیطی و احتمال هجوم آوارگان به علت جنگ‌ها و مشکلات اقتصادی نیز احتمالاتی است که ممکن است بر امنیت ملی ایران تهدیداتی را وارد کند. ثبات سیاسی منطقه قفقاز و آسیای مرکزی، منابع نفتی دریای خزر و منابع اقتصادی ایران در منطقه از جمله اهداف استراتژیک ایران در مناطق فوق است که به دنبال تامین امنیت و ثبات آنها می‌باشد (کوهی اصفهانی)، ۲۰۱۵: ۱۸۵).

در مجموع می‌توان اذعان نمود که ظهور آسیای مرکزی قفقاز به عنوان یک منطقه ژئوپلیتیک متمایز و مهم در عرصه سیاست جهانی تاثیرات ژرف و تعیین کننده‌ای برای محیط سیاسی و مناسبات منطقه‌ای و جهانی ایران به ارمغان آورده است. تکوین این مناطق علاوه بر ایجاد فرصت‌های فراوان در ابعاد مختلف امنیتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای ایران با

چالش های عمده نیز همراه بوده است. بدین لحاظ ایران باید از تمام چالش ها و حتی تبدیل آن ها فرصت به عمل آورد. حضور و نفوذ قوی و مطمئن همراه با تنش زدایی در قفقاز و پیگیری علایق و اهداف می تواند ایران را در رسیدن به مقصود یاری رساند. در این قسمت به شرح علایق ایران در قفقاز به تفکیک اهداف می پردازیم:

الف - استراتژی های اقتصادی

- تعیین رژیم حقوقی مناسب برای دریای مازندران با شرکت سایر کشورهای ساحلی که در آن منافع ملی کشور حاصل شود.
- استفاده از مواد خام و منابع اولیه منطقه و تلاش برای توسعه میادین نفت و گاز.
- تلاش برای انتخاب خاک ایران به عنوان مسیر خطوط لوله انتقال انرژی منطقه و افزایش نقش جغرافیایی - اقتصادی ایران در شبکه های ترانزیتی و ارتباطی قلب اروپا - آسیا و خلیج فارس زیرا ایران امن ترین، کوتاهترین و در عین حال اقتصادی ترین مسیر به شمار می آید.
- جلوگیری از دست اندازی دیگران به منابع نفتی کشور در حوضه خزر.
- استفاده از موقعیت ترانزیتی ایران برای حضور و نفوذ در قفقاز.
- استفاده از منابع آب دریای مازندران و مسایل وابسته به آن.
- حفظ قوانین مربوط به آزادی کشتیرانی و آزادی تجارت در دریای مازندران.
- تلاش برای متقاعد کردن شرکت های نفتی جهت سرمایه گذاری در امور احداث خطوط لوله در ایران.
- استفاده از بازارهای منطقه جهت فروش کالاهای ایرانی، به ویژه مواد مصرفی و واقع شدن به عنوان بازار تولیدات کشورهای قفقاز.
- توسعه تجارت و همکاری اقتصادی و تجاری، سرمایه گذاری در منابع نفتی، همکاری در بخش انرژی و سایر بخش ها و تقویت سازمان های منطقه از جمله اکو.
- تلاش برای جذب تولیدات نفتی کشورهای منطقه از جمله آذربایجان و تامین نفت خام پالایشگاه های تبریز، تهران و اراک از این طریق (داوود اغلو، ۱۳۹۵، ۱۹۴).

استراتژی های اجتماعی و فرهنگی

- نفوذ در بین ملت های قفقاز از طریق تقویت و توسعه همکاری های اجتماعی و کمک های ایران برای رفع مشکلات انسانی به این کشورها و سابقه تاریخی حضور ایران در قفقاز و اشتراکات دینی و مذهبی.
- تلاش برای جلوگیری از الودگی محیط زیست منطقه و دریای مازندران و خطرات ناشی از آن.
- تلاش برای حضور فرهنگی در قفقاز با استفاده از اشتراکات عمیق فرهنگی - مذهبی - تاریخی و گسترش فرهنگ اسلامی - ایرانی در منطقه
- برقراری روابط با جمعیت های مسلمان منطقه از جمله آذربایجان به قصد ارزیابی ریشه های فرهنگی و معنوی این گروه ها (داوود اعلو، ۱۳۹۵، ۱۹۶).

استراتژی های سیاسی

- مدیریت حل بحران های منطقه ای و کمک به حل بحران قره باغ و تاکید بر صلح و ثبات در منطقه.
- تلاش برای تنظیم و تقویت و تکمیل رژیم حقوقی مناسب برای دریای خزر. در این مورد ایران خواهان تنظیم معاهده حقوقی بین کشورهای حاشیه دریای خزر است که در آن ملاحظات امنیت ملی کشورها، اعمال حاکمیت ملی و حفظ تامین منافع ملی آن ها در نظر گرفته شده باشد.
- ایجاد مانع برای جلوگیری از تقویت شکل بندی های سیاسی - امنیتی که در جهت مخالفت با ایران تشکیل می شوند.
- خنثی سازی مزاحمت ها و تحریکات سیاسی امریکا و بعضی از همسایگان قفقازی مثل آذربایجان.
- تلاش برای معرفی ایران به عنوان پل ارتباطی آسیای مرکزی و قفقاز به آب های آزاد جهان.
- تلاش برای حفظ مرزهای سیاسی موجود در قفقاز.
- تلاش برای کاهش انزوای سیاسی منطقه ای ایران با استفاده از گسترش روابط سیاسی با قفقاز و تقویت و توسعه روابط سیاسی و تاکید بر همکاری منطقه ای.

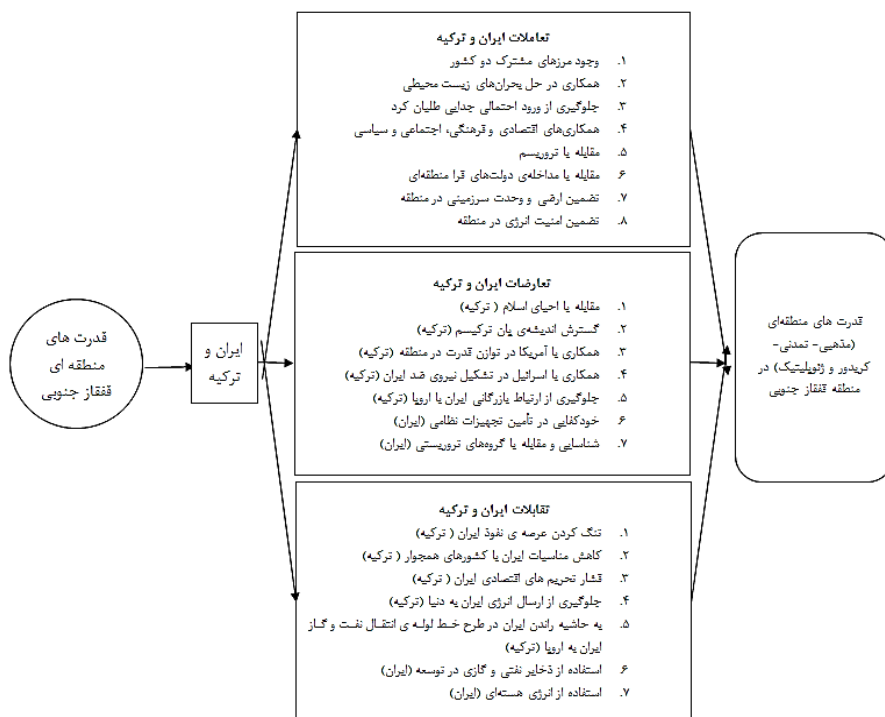
- مقابله با نهضت های پان ترکیسم و پان آدریسم در منطقه و تلاش برای تقویت محور مقاومت به نفع خود.
- استفاده از موقعیت ترانزیتی ایران جهت گسترش روابط سیاسی با کشورهای منطقه و استفاده آن ها از مسیر ایران برای دسترسی به اروپا (کوهی اصفهانی، ۲۰۱۵: ۲۱۴).

استراتژی های نظامی - امنیتی

- برقراری موازنه قوا.
- تلاش برای محدود کردن فعالیت های ترکیه و ممانعت از حضور اسرائیل در منطقه.
- تلاش در جهت ایجاد محور قوی ژئوپلیتیکی مسکو-تهران یا مسکو-تهران-ایروان که می تواند کلید دسترسی و بهره برداری از منافع استراتژیک در اروپا نیز باشد.
- تلاش در جهت گسترش همکاری های دفاعی - نظامی برای مهار غرب.
- احیای ظرفیت های ژئوپلیتیک و استفاده از دارا بودن شرایط اتصال حوزه پاسیفیک به منطقه هارتلند.
- تاکید بر نقش ویژه روسیه و تامین ثبات و امنیت دولت های تازه تاسیس از طریق تعامل و اتحادیه سازی و ... (مخبر، ۱۳۹۲: ۲۲۱).

قلمرو گستری ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی

ایران و ترکیه پس از ۱۹۹۱ در فرایند دگرگونی های ژئوپلیتیکی دوران جنگ سرد، به صورت سرزمین های پل مانندی درآمدند که مناطق پر اهمیت دنیا را به هم پیوند می دهند. شعاع نفوذ این دو کشور بیشتر در میان همسایگان شان است و این دو کشور با توجه به واقعیت های ژئوپلیتیکی پس از جنگ سرد، در برابر گرایش های ملی گرایانه یکدیگر در قفقاز جنوبی مقاومت کردند (افضلی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۳۵). موقعیت راهبردی و نزدیکی جغرافیایی با منطقه، نگرانی های امنیتی متفاوت در کشورهای قفقاز جنوبی، پیوندهای تاریخی - فرهنگی، میراث قومی - مذهبی مشترک، اهمیت اقتصادی منطقه و مسیر حمل و نقل انرژی بسترهای مناسبی را برای رقابت تهران و آنکارا در منطقه به وجود آورده است. بنابراین قلمروگستری ترکیه در قفقاز جنوبی متناقض با اهداف ایران در منطقه خواهد بود (ارجمند و فلاحی، ۱۳۹۴: ۲۲۳). شکل ذیل قلمروگستری ترکیه و ایران را در قفقاز جنوبی به خوبی نشان می دهد.



جدول ۱. تعارضات ایران و ترکیه در کشورهای قفقاز جنوبی (منبع: یافته های پژوهش ۱۴۰۳)

شاخص کشور	آذربایجان	ارمنستان	گرجستان
ایران	مساله قره باغ امنیت تجاری (دسترسی به ارمنستان) امنیت سیاسی (آذری های ایران) حضور اسرائیل و آمریکا در آذربایجان مخالفت با گسترش ناتو	مخالفت با گسترش ناتو	حضور امریکا خطوط انرژی تجارت ضعیف
ترکیه	دسترسی مستقیم به آذربایجان فعالیت اخوان المسلمین ایفای نقش فرامطقه ای ایجاد خطوط انتقال انرژی و کسب نقش ترانزیت قاره ای	پیوستن به اتحادیه اروپا	دسترسی به آذربایجان، قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی نقش ترانزیت انرژی تجارت

جمع‌بندی روابط ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی

با توجه به مباحث ذکر شده جمع‌بندی مباحث مربوط به قلمرو گستری ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی به شرح ذیل می‌باشد:

جدول ۲. قلمروگستری ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی (منبع: یافته‌های پژوهش ۱۴۰۳)

روابط با	آذربایجان	ارمنستان	گرجستان
ایران	امکان ارتباط به دلیل موجودیت سیاسی بالنسبه و جدا شدن از ایران	امکان ارتباط به دلیل موجودیت سیاسی بالنسبه و جدا شدن از ایران	امکان ارتباط به دلیل موجودیت سیاسی بالنسبه و جدا شدن از ایران
	تمدن‌گریزی در کشورها با پان ترکیسم	عدم امنیت از سوی آذربایجان و نزدیک شدن به روابط با ایران	محدود بودن ارتباط تجاری ایران و گرجستان
	نگرانی آذربایجان در رشد شیعیان پس از انقلاب اسلامی	عدم قبول تحریم‌های ایران از سوی ارمنستان	امکان استفاده امنیتی ایران از گرجستان
	روابط تجاری آذربایجان و اسرائیل	استفاده ایران از شبکه راه آهن ارمنستان برای انتقال کالا به جهان	
	عدم توسعه روابط در دهه‌های اخیر و وجود بحران در روابط دو کشور (از جمله بحران دریای خزر و میادین گاز مشترک)	صدور کالا به ارمنستان	

جدول ۲. قلمرو گستره ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی (منبع: یافته‌های پژوهش ۱۴۰۳)

روابط با	آذربایجان	ارمنستان	گرجستان
ترکیه	حمایت قاطع ترکیه از جمهوری آذربایجان در هنگام بحران قره باغ و جنگ بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان	اعمال تحریمات تجاری علیه ذخایر انرژی و مواد غذایی ارمنستان	افزایش روابط تجاری به علت پیوندها و علائق قومی با این کشور
	مقابله با نفوذ ایران و روسیه در قفقاز به علت جهت گیری مستقل ترکیه بر اساس تمرکز بر غرب	مخالفت با ادعای ارمنستان مبنی بر قتل عام ارامنه در زمان امپراتوری عثمانی	مقابله با نفوذ ایران و روسیه در قفقاز به علت جهت گیری مستقل ترکیه بر اساس تمرکز بر غرب
	فشار آذربایجان به ترکیه با عدم تمدید قرارداد صادرات گاز با عدم پذیرش ادعاهای مرزی ارمنیان در مورد سرزمین‌های ترکیه		

جدول ۳. مقایسه قلمروی ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)

شاخص	ایران	ترکیه	نتیجه
تمدن	وجود مرزهای مشترک دو کشور	وجود مرزهای مشترک دو کشور	همکاری
تمدن	حل بحران‌های زیست محیطی	حل بحران‌های زیست محیطی	همکاری
فرهنگی	جلوگیری از ورود احتمالی جدایی طلبان کرد	جلوگیری از ورود احتمالی جدایی طلبان کرد	همکاری
اقتصادی	همکاری‌های اقتصادی و فرهنگی، اجتماعی و سیاسی	همکاری‌های اقتصادی و فرهنگی، اجتماعی و سیاسی	رقابتی
تمدن	شناسایی و مقابله با گروه‌های تروریستی	مقابله با تروریسم	همکاری
امنیت	مقابله با مداخله‌ی دولت‌های فرا منطقه‌ای	مقابله با مداخله‌ی دولت‌های فرا منطقه‌ای	همکاری
تمدن	تضمین ارضی و وحدت سرزمینی در منطقه	تضمین ارضی و وحدت سرزمینی در منطقه	همکاری
امنیت	تضمین امنیت انرژی در منطقه	تضمین امنیت انرژی در منطقه	همکاری

جدول ۳. مقایسه‌ی قلمروی ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی (منبع، یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)

شاخص	ایران	ترکیه	نتیجه
مذهبی	احیای اسلام	مقابله با احیای اسلام	تضاد
مذهبی	رشد مذهب شیعه	گسترش اندیشه‌ی پان ترکیسم	تضاد
تمدن	مخالفت با هرگونه استکبار شرق و غرب	همکاری با آمریکا در توازن قدرت در منطقه	تضاد
منطقه	سعی در نابودی فساد و ظلم	همکاری با اسرائیل در تشکیل نیروی ضد ایران	تضاد
اقتصاد	ارتباط منطقی اقتصادی با اروپا	جلوگیری از ارتباط بازرگانی ایران با اروپا	رقابتی
امنیت	خودکفایی در تأمین تجهیزات نظامی	تأمین امنیت با شرکت در ناتو	رقابتی
اقتصاد	ارتباط اقتصادی با جهان	تنگ کردن عرصه‌ی نفوذ ایران	رقابتی
اقتصاد	انجام مناسبات دوستانه با کشورهای همجوار	کاهش مناسبات ایران با کشورهای همجوار	رقابتی
امنیت	کاهش و حذف اثر تحریم‌ها	فشار تحریم‌های اقتصادی ایران	تضاد
اقتصاد	ارتباطات اقتصادی با جهان	جلوگیری از ارسال انرژی ایران به دنیا	رقابتی
اقتصاد	ارسال انرژی به جهان	به حاشیه راندن ایران در طرح خط لوله‌ی انتقال نفت و گاز ایران به اروپا	رقابتی
امنیت	استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای		رقابتی
اقتصاد	استفاده از ذخایر نفتی و گازی در توسعه	استفاده از امکانات بالقوه و بالفعل در توسعه	رقابتی

در نتیجه کشور ترکیه با جمهوری آذربایجان روابط خوبی داشته و در ارمنستان موفق نبوده است.. همچنین در حال ارتباط با کشور گرجستان می باشد. جمهوری اسلامی ایران با جمهوری آذربایجان ارتباط نه چندان خوب ولی با ارمنستان روابط خوبی داشته و در حال ارتباط با گرجستان می باشد.

تأثیر قلمرو گستری ترکیه در قفقاز جنوبی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

بعد از انقلاب اسلامی، ایدئولوژی سیاسی ترکیه نقطه‌ی مقابل ایدئولوژی سیاسی جمهوری اسلامی ایران تعریف شده و غرب تلاش کرد اسلام سیاسی سکولار ترکیه را به عنوان الگویی برای کشورهای اسلامی معرفی کند و تضاد سیاسی و ایدئولوژیک بین دو کشور ایجاد شد. از آن زمان تاکنون، تنش‌های مختلفی بین دو کشور وجود داشته و دو کشور در هیچ کدام از سطوح روابط دوستانه یا خصمانه دارای سیاست ثابتی نبوده اند. رفتار ترکیه (همکاری با اسرائیل، گسیل

نیروهای سلفی، حمایت از حضور ناتو در منطقه‌ی خزر) نشان دهنده تهدید امنیت ملی مرزهای جمهوری اسلامی ایران در منطقه‌ی جنوبی قفقاز بوده که می‌تواند در آینده هم تهدیدات سخت و نرم گسترده‌ای برای امنیت و منافع ملی ایران به بار آورد. با مطالعه‌ی دقیق تلاش‌های قلمرو گسترده‌ی ج.ا. ایران و ترکیه می‌توان به رقابت‌های بین دو کشور برای قلمروسازی در منطقه‌ی قفقاز جنوبی پی برد.

همانطور که اشاره شد، منطقه قفقاز جنوبی به دلیل موقعیت استراتژیک، موقعیت جغرافیایی و منابع و ترانزیت انرژی از ارزش ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک بالایی در سیاست جمهوری اسلامی ایران برخوردار است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۵). اما شایان توجه است که مرزهای امنیتی این منطقه به دلیل درهم تنیدگی روابط امنیتی این منطقه با مناطق پیرامونی فراتر از مرزهای سیاسی آن است و وجود ذخایر نفتی در این منطقه از یکسو موجب بروز تنش میان کشورهای منطقه شده است و از سوی دیگر، زمینه‌های حضور قدرتهای خارجی را در منطقه مهیا کرده است، اختلاف نظرهای موجود بر سر استخراج ذخایر سبب بکار گرفتن سیاست‌هایی از سوی برخی کشورهای منطقه شده و این امر موجب بروز تنش میان آنها شده است.

انگاره‌های امنیتی غالب در میان کشورهای قفقاز جنوبی، در سطح درون منطقه‌ای شالوده‌الگوهای دوستی و دشمنی منطقه را مسائل قومی و جدایی طلبی شکل داده است و کشورهای در منازعه برای دستیابی به منافع و اهداف سیاست خارجی و اقتصادی ترجیح داده اند شریک‌های فرامنطقه‌ای را جایگزین تعاملات درون منطقه‌ای کنند بنابراین پویای امنیت و سیاسی منطقه قفقاز به شکل فزاینده‌ای غیرمنطقه‌ای شده و بعد فرامنطقه‌ای پیدا کرده است و موجب ظهور صف بندی‌های با محور قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شده است. با توجه به تمرکز و قطبش منطقه‌ای و بازیگران خارجی که به عنوان سومین متغیر ساختار یک مجموعه امنیتی نشانگر توزیع قدرت بین واحدهای تأثیرگذار بر مجموعه امنیتی قفقاز جنوبی است، سطح جهانی قطبش شامل فعالیت‌های آمریکا در قفقاز جنوبی است و در سطح میان منطقه‌ای، سایه روسیه بر تحولات منطقه سنگینی می‌کند. بر این اساس، پویای میان منطقه‌ای درخور توجهی در سطح قفقاز جنوبی قابل شناسایی است و اتحادیه اروپا، ایران و ترکیه نیز دیگر پویای سطح میان منطقه‌ای را ایجاد می‌کنند. در سطح درون منطقه‌ای قطبش در قفقاز جنوبی نیز سه قدرت ضعیف و به تقریب برابر و

همچنین بازیگران غیردولتی منطقه مانند گروه‌های قومی، افراط‌گرایان، جدایی‌طلبان و اقلیت‌ها مهمترین اثر را بر محیط امنیتی این منطقه دارند هیچ یک از سه دولت را نمی‌توان مسلط بر پویش‌های درون منطقه‌ای دانست.

در میان بازیگران منطقه ایران و ترکیه نگرانی‌های امنیتی خاصی را نسبت به این منطقه دارند و هر دو در پی قلمروگستری در میان سه کشور منطقه می‌باشند که در بالا بدان اشاره شد اما اینکه قلمروگستری ترکیه در منطقه قفقاز جنوبی چه تاثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد را میتوان به شرح ذیل مورد بررسی قرارداد.

قلمروگستری ترکیه در آذربایجان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

جمهوری آذربایجان پس از فروپاشی شوروی در مرکز اختلافات ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی قرار داشت (کرنل، ۱۳۷۷: ۵۰). یکی از حوزه‌های کلیدی تفاوت‌ها مربوط به گزینه‌های تامین نفت و گاز و مسیرهای حمل‌ونقل مانند خط لوله نفت باکو-تفلیس-جیهان (BTC) و خط لوله گاز باکو-تفلیس ارزروم (BTE) است. مسابقه تسلیحاتی یکی دیگر از عوامل بحث برانگیز برای بازیگران منطقه‌ای و جهانی قفقاز جنوبی است و وارد محاسبات امنیتی آنها می‌شود. آذربایجان که پیشنهاد روسیه برای برقراری روابط دفاعی دوجانبه نزدیک تر را رد کرده، دریافت کننده کمک‌های نظامی ترکیه بوده است (Olga and Szayna, 2003: 387). در سال ۲۰۱۲، جمهوری آذربایجان یک میلیارد دلار تسلیحات از اسرائیل از جمله دستیابی به موشک‌های ضد کشتی خریداری کرد. موشک‌های ضد کشتی می‌توانند منافع ایران در دریای خزر را تهدید کنند.

این کشور همچنین ۳۰۰ میلیون دلار سامانه‌های موشکی از روسیه خریداری کرده است (والیف، ۲۰۱۲: ۳). ابوالفضل الجی بی، اولین رئیس جمهور آذربایجان که روابط نزدیکی با ایالات متحده و ترکیه برقرار کرد، راه را برای نفوذ آنکارا در آذربایجان هموار کرد. در همان زمان، اظهارات علنی و هویت گرایانه الجی بی، "من هر شب خواب تبریز را می‌بینم. آرزو دارم حتی زانو زده به تبریز بروم. پس از استقلال آذربایجان، ما به دنبال اتحاد با آذربایجان (استان) ایران هستیم." تمامیت ارضی ایران را تهدید کرد (عابدین، ۲۰۰۴). با این حال، سران بعدی دولت

آذربایجان - حیدر علی اف و الهام علی اف - چنین ادعاهای ملی گرایانه‌ای را در مورد سرزمین‌های ایران تکرار نکردند (تقوی اصل، ۱۳۷۹: ۱۵۴).

آمریکا و ترکیه تصور می‌کنند موضوع قومیت می‌تواند رفتار سیاست خارجی ایران را تغییر دهد. بنابراین، یکی از دلایل حمایت آمریکا از گسترش نقش ترکیه در منطقه، استفاده از آسیب‌پذیری قومی بالقوه ایران است. در واکنش، ایران نسبت به هرگونه سیاست ترکیه با هدف تغییر نقشه منطقه بسیار حساس است. به عنوان مثال، ایران به شدت با طرح ترکیه برای واگذاری قره باغ به ارمنستان در ازای واگذاری بخش‌هایی از ارمنستان که ایران را به آذربایجان متصل می‌کند، مخالف می‌کرد. نگرانی‌های امنیتی مشابه رهبران ترکیه باعث شد که در تابستان ۲۰۰۱ به جنگنده‌های جت ترکیه دستور پرواز بر فراز دریای خزر را بدهند تا به عنوان حمایت از باکو، در جریان مناقشه ایران و آذربایجان قرار بگیرند. این حادثه نشان داد که ایران و ترکیه ممکن است در صورت ایجاد شرایط، آماده استفاده از نیروی نظامی برای دفاع از منافع ملی خود در منطقه باشند.

از سوی دیگر ایران مخالف احداث کریدور زنگزور است زیرا اجرایی شدن کریدور زنگزور همان قدر که منجر به افزایش قدرت ژئوپلیتیک جمهوری باکو و به خصوص حامیان آن می‌شود، به همان نسبت منجر به تضعیف قدرت ژئوپلیتیک ایران و ارمنستان نیز می‌شود. ترکیه به عنوان یکی از بزرگ‌ترین حامیان و ذی‌نفعان این کریدور تلاش‌های بی‌وقفه‌ای در این راستا انجام می‌دهد؛ زیرا اجرایی شدن آن به سود کشور ترکیه خواهد بود (محمود اوغلی و همکاران، ۱۴۰۱، ۱۰۱). بنابراین تهدیدات امنیتی حاصل از قلمرو گسترده ترکیه در آذربایجان به شرح ذیل است:

- حمایت آشکار و مستقیم نظامی ترکیه از آذربایجان برای رفع تنگناهای جدایی سرزمینی این کشور.
 - حمایت مستقیم یا غیر مستقیم و پر دامنه ترکیه از آرمان آذربایجان بزرگ تهدید بر مواضع امنیتی ایران محسوب شده و میتواند ایران را وادار به استفاده از همه اهرم‌های فشار از جمله، تحریک کردها، قطع صدور نفت و گاز، قطع کامل روابط سیاسی و تجاری، قطع ارتباط ترانزیتی ترکیه - آذربایجان و حتی جنگ شود.

- از نظر استراتژی ژئوپلیتیک، ترکیه با یکپارچگی سرزمین آذربایجان - که تنها راه آن اتصال نخجوان به آذربایجان است به دریای مازندران و آسیای مرکزی دسترسی مستقیم پیدا می‌کند. در این صورت نقش و کارکردهای معبری ایران کم‌رنگ و حتی زایل خواهد شد.

- قلمرو گستری ترکیه در حوزه تجارت در بازارهای منطقه‌ای می‌تواند واکنش تدریجی، فزاینده و بدون رویکرد نظامی ایران را در پی داشته باشد.

- دخالت ترکیه با ناتو یا به نمایندگی از سوی این سازمان، به بهانه یا به منظور توسعه اقتصادی و اصلاحات دموکراتیک و یا از بین بردن ریشه‌های مناقشه و بی‌ثباتی.

- پیامدهای حاصل از جنگ دوم قره باغ، شامل ورود نظامیان روسیه به منطقه و نفوذ بیشتر ترکیه بر آذربایجان تحقق دسترسی به دریای خزر و تأثیر گذاری بر آسیای مرکزی.

- افزایش فعالیت‌های رژیم صهیونیستی در منطقه و پیامدهای ناشی از کریدور ارتباطی نخجوان - جمهوری آذربایجان (محمود اوغلی و همکاران، ۱۴۰۱، ۱۰۱)

قلمرو گستری ترکیه در ارمنستان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران،

به دنبال تغییرات ژئوپلیتیکی ناشی از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ارزش استراتژیک ارمنستان در قفقاز جنوبی افزایش یافت. ارمنستان بیشترین سربازان جنگی را در قفقاز جنوبی دارد و دریافت‌کننده سخت‌افزار نظامی روسیه با قیمت مقرون می‌باشد (کولایی و گودرزی، ۱۳۹۴: ۱۸).

ارمنستان، تهران را به عنوان یک عامل متعادل کننده در برابر حمایت آنکارا از رقیب اصلی خود (یعنی آذربایجان) می‌داند. (Nixey, 2010: 131) ایروان از رای دادن علیه ایران در سازمان‌های بین‌المللی خودداری کرد و در اجرای تحریم‌های اقتصادی ضد ایرانی آمریکا شرکت نکرد. ایران و ارمنستان به دلیل منافع مشترک ژئوپلیتیکی و اقتصادی روابط خوبی را حفظ کرده اند (عطایی، ۱۳۸۸: ۱۱۶). ایران و ارمنستان قراردادهای زیادی امضا کرده‌اند، اما نبود تعریف روشن از نوع ایده آل روابط خارجی، توسعه تعاملات ایران با کشورهای همسایه شمالی را محدود کرده است. بنابراین ایران به تناسب توانمندی‌ها و قدرت خود جایگاه مناسبی در قفقاز جنوبی به دست نیاورده است. در مناقشه ارضی قره باغ بین ارمنستان و آذربایجان، ترکیه در کنار باکو قرار گرفت.

آنکارا همچنین تلاش کرده است تا با همسایگان شرقی خود از جمله ایروان روابطی عادی ایجاد کند که پس از تصویب سیاست «مشکلات صفر با همسایگان» در نوامبر ۲۰۰۹، ارمنستان و وزرای امور خارجه جمهوری آذربایجان توافقنامه صلح امضا کردند. این نزدیکی با میانجیگری فرانسه، روسیه، سوئیس و ایالات متحده اتفاق افتاد. با این حال، این توافق مورد تصویب پارلمان

کشورها به دلایل سیاسی داخلی و اختلافات مرزی قرار نگرفت (Hayrapetyan, 2011: 9). عادی سازی روابط دوجانبه با ترکیه مورد استقبال برخی از جناح های سیاسی داخلی ارمنستان قرار نگرفت. به همین ترتیب، گروه های ملی گرای ترکیه نیز مخالف هر گونه مصالحه بوده و برقراری روابط خوب با ارمنستان را خیانت به آذربایجان که متحد مورد اعتماد و شریک تجاری مهم آنها است، می دانند (Falkowski, 2009: 2-3). با توجه به موارد ذکر شده تهدیدات امنیتی حاصل از قلمرو گسترتری ترکیه در ارمنستان را میتوان به شرح دیل بیان کرد:

- به نظر می رسد عادی سازی روابط و بازگشایی مجدد مرز ارمنستان و ترکیه به جای سیاست مشترک دو کشور همسایه که در تلاش برای امتیاز گرفتن از یکدیگر هستند، پیشنهاد آمریکاست. به منظور تقویت سلطه ایالات متحده، سیاستگذاران آمریکایی سعی کرده اند ارمنستان را با متقاعد کردن ایروان به عقب نشینی از کشورهای مشترک المنافع تحت حمایت روسیه (CIS) وارد مدار ایالات متحده کنند (Baban and Shiryev, 2010: 99) که در صورت موفقیت بر موازنه قدرت و روابط ایران تاثیر گذار خواهد بود.
- قلمرو گسترتری ترکیه در حوزه تجارت در بازارهای منطقه ای میتواند واکنش تدریجی، فزاینده و بدون رویکرد نظامی ایران را در پی داشته باشد.
- دخالت ترکیه با ناتو یا به نمایندگی از سوی این سازمان، به بهانه توسعه اقتصادی و اصلاحات دموکراتیک و یا از بین بردن ریشه های مناقشه و بی ثباتی.

قلمرو گسترتری ترکیه در گرجستان و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی

ایران

گرجستان منبع اصلی دسترسی به دریای سیاه، نزدیک به منابع نفتی دیگر همسایگان، پل ژئوپلیتیکی برای اتصال دریای خزر به دریای سیاه، قرار گرفتن در معادلات راهروی شرق به غرب و تا حدودی جنوب به شمال، عامل موازنه امنیتی میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان و نیز نقطه تعادل میان روسیه، ترکیه و ایران، میان قدرتهای منطقه ای و حوزه کشمکش راهبردی روسیه، اروپا و آمریکا است (کلینی، ۲۰۳۱: ۱-۲). قرار گرفتن منطقه قفقاز شمالی، بر اهمیت امنیتی- نظامی این کشور می افزاید. وجود منابع چشمگیر نفت و گاز در قفقاز و صدور آن به بازارهای

جهانی، بر اهمیت این کشور پس از فروپاشی شوروی افزوده است. کاربری ژئوپلیتیکی گرجستان در تولید قوس بحران برای محدود کردن روسیه و جلوگیری از برگشت اهمیت گرجستان در لیست اهداف راهبردی روسیه، به عنوان مبنای شکل گیری اقدام های اولیه غرب در برابر روسیه معنا می شود. در سالهای اخیر، بحران های درونی در گرجستان که به تحریک نیروهای خارجی شکل گرفت، موضوع ثبات امنیتی و ساخت امنیت منطقه ای را به چالش کشیده و ارزش امنیت دسته جمعی در قفقاز را در حاله ای از ابهام فرو برده است. تلاش کشورهای غربی برای انتقال انرژی جمهوری آذربایجان و سرعت دادن به معادلات انرژی (کولایی، ۲۰۲۲، ۰۲-۲۱) سبب شد، اهمیت راهبردی گرجستان در میان رقبا شد (چیتاژه، ۲۱۰۲: ۱-۲).

گرجستان برای نجات از وضعیت موجود به دنبال تعمیق روابط خود با سازمان های امنیتی و نظامی مانند ناتو برآمده است. در این میان، بازسازی توان قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای در شرایط موجود و میزان نزول و صعود توان اثربخشی قدرت ها بر معادلات و بحران های موجود در عرصه جهانی و همچنین چگونگی تغییر و توزیع قدرت و معنایابی از تهدیدها و فرصت های پیشرو، نقش تعیین کننده ای در چگونگی ساخت قدرت در گرجستان و تعریف از حدود اهمیت راهبردی گرجستان در وضعیت جدید خواهد داشت.

نزدیکی ترکیه به هریک از جمهوری های قفقاز جنوبی و از جمله گرجستان، می تواند بر منافع ملی ایران تأثیر بگذارد. در صورت همکاری ترکیه با گرجستان برای صدور گاز به بازارهای جهانی، موقعیت ایران برای دستیابی به نقش مرکز مبادلات انرژی تضعیف می شود و به همان میزان وابستگی نامتقارن ایران به ترکیه در منطقه بیشتر خواهد شد. ترکیه هم در سیاست های خود هم رویکردی اروپایی دارد و هم خواستار هژمونی خاورمیانه ای است. این روند با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه و تلاش برای به دست گرفتن رهبری جهان اسلام و تضعیف موقعیت ایران قوت گرفته است. در حال حاضر، خط لوله نفت باکو-تفلیس-جیحان و خط لوله گاز باکو-تفلیس-ارزروم که از یکسو، نیازهای نفتی و گازی این کشور را تأمین می کند و از سوی دیگر، ترکیه را به عنوان مسیر ترانزیت انرژی مطرح کرده است، انحصار پیوند میان جمهوری آذربایجان با گرجستان را برای آنکارا جنبه ای راهبردی بخشیده است که حاضر نیست با حضور ایران دستخوش تغییر و دگرگونی شود. علاوه بر این، تعداد قابل توجهی از شرکت ها و اتباع ترکیه در پروژه های مختلف صنعتی، تجاری و خدماتی گرجستان حضور فعالی دارند که رقابت تجار ایرانی با تجار ترک در گرجستان

قابل مقایسه نیست. با توجه به اینکه مرز مشترکی میان ایران با گرجستان وجود ندارد، این امر برتری را به ترکیه داده است و این کشور به نوعی نقش واگرایانه را در میان ایران و گرجستان ایفا کرده است. با توجه به موارد ذکر شده تهدیدات امنیتی حاصل از قلمرو گسترتری ترکیه در گرجستان را میتوان به شرح ذیل بیان کرد.

- قلمرو گسترتری ترکیه در حوزه تجارت در بازارهای منطقه‌ای می‌تواند واکنش تدریجی، فزاینده و بدون رویکرد نظامی ایران را در پی داشته باشد.
- دخالت ترکیه با ناتو یا به نمایندگی از سوی این سازمان، به بهانه یا به منظور توسعه اقتصادی و اصلاحات دموکراتیک و یا از بین بردن ریشه‌های مناقشه و بی‌ثباتی.
- کم‌رنگ و زایل شدن نقش ترانزیتی ایران.
- نفوذ گسترده تر قدرت‌های فرامنطقه‌ای در منطقه.
- قلمرو گسترتری ترکیه در قفقاز جنوبی چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد؟
- دو کشور جمهوری اسلامی ایران و ترکیه چه قلمروها و علائقی در منطقه قفقاز جنوبی دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

منطقه قفقاز با تشکیل دولت‌ها و کشورهای تازه استقلال یافته، فرصت‌ها و تهدیدهای جدیدی در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برای کشورهای دیگر - به ویژه کشورهای همسایه فراهم کرده است. در نتیجه، قدرت‌های منطقه‌ای مانند ترکیه و ایران سعی در افزایش نفوذ خود در این منطقه دارند (جعفری ولدانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۵). لذا پژوهش حاضر ضمن بررسی علایق دو کشور فوق‌الذکر در منطقه به بررسی اثرات قلمرو گسترتری ترکیه در قفقاز جنوبی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پرداخت. همانطور که یافته‌های پژوهش نشان داد؛ علایق ترکیه و ایران در منطقه قفقاز جنوبی که متشکل از سه کشور آذربایجان، ارمنستان و ترکیه می‌باشد در ۴ بعد اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، نظامی - امنیتی و سیاسی قابل بررسی است. که در بعد اقتصادی در مولفه‌های همکاری‌های اقتصادی، شامل تجارت کالا و انرژی و دستیابی به مسیر ترانزیت انرژی خلاصه شده، در بعد اجتماعی در محورهای نفوذ فرهنگی و گسترش قدرت نرم و دیپلماسی عمومی، در حوزه امنیتی - نظامی، در مولفه‌های حفظ امنیت مرزی، خرید و فروش تسلیحات نظامی و توسعه قدرت بازدارندگی قابل بررسی می‌باشد. همچنین در حوزه سیاسی در مولفه‌های توسعه

روابط فرامنطقه‌ای، ایجاد پیمان‌های سیاسی و بهره‌گیری از این پیمان‌ها جهت توسعه هرچه بیشتر نفوذ خود در منطقه قابل بحث می‌باشد. که همانطور که یافته‌های پژوهش نشان داد متأسفانه عملکرد ترکیه در قلمروگستری در منطقه مورد نظر به نسبت ایران بهتر بوده است.

در بررسی اثرات قلمروگستری ترکیه در منطقه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نیز، بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- قلمروگستری ترکیه در حوزه تجارت در بازارهای منطقه‌ای می‌تواند واکنش تدریجی، فزاینده و بدون رویکرد نظامی ایران را در پی داشته باشد.
- دخالت ترکیه با ناتو یا به نمایندگی از سوی این سازمان و گسترش نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای در منطقه که ایران به شدت مخالف آن است.
- کم‌رنج و زایل شدن نقش ترانزیتی ایران که تبعات اقتصادی فراوانی برای آن خواهد داشت.
- حمایت مستقیم یا غیرمستقیم و پردامنه ترکیه از ارمان آذربایجان بزرگ تهدید بر مواضع امنیتی ایران محسوب شده و می‌تواند ایران را وادار به استفاده از همه اهرم‌های فشار از جمله، تحریک کردها، قطع صدور نفت و گاز، قطع کامل روابط سیاسی و تجاری، قطع ارتباط ترانزیتی ترکیه - آذربایجان و حتی جنگ شود.
- از نظر استراتژی ژئوپلیتیک، ترکیه با یکپارچگی سرزمین آذربایجان - که تنها راه ان اتصال نخجوان به آذربایجان است به دریای مازندران و آسیای مرکزی دسترسی مستقیم پیدا می‌کند. در این صورت نقش و کارکردهای معبری ایران کم‌رنج و حتی زایل خواهد شد.
- افزایش فعالیت‌های رژیم صهیونیستی در منطقه و پیامدهای ناشی از کریدور ارتباطی نخجوان - جمهوری آذربایجان (محمود اوغلی و همکاران، ۱۴۰۱، ۱۰۱)

با جمع‌بندی موارد فوق می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری نمود که وجود علائق متضاد و رقابتی بین ایران و ترکیه در حوزه قفقاز و تمرکز ترکیه بر این منطقه به عنوان حیات خلوت خود باعث رقابت با جمهوری اسلامی ایران شده و این امر، موفقیت منطقه‌ای ایران را با چالش روبرو ساخته است.

فهرست منابع

- ارکان، مانده. اطهری، اسدا... (۱۳۹۸). قدرت‌های منطقه‌ای و آینده جهان اسلام. فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام. (۱)۱. پاییز .
- اطهری، سیداسدا... پیروزفر، مهدی (۱۳۹۴). وضعیت مطالعات ترکیه‌شناسی در دانشگاه‌های ایران؛ مطالعه موردی: دانشگاه‌های امام صادق(ع).، تهران، علامه طباطبائی و شهید بهشتی. دوفصلنامه علمی- پژوهشی دانش سیاسی. (۲)۱۱. پیاپی ۲۲. پاییز و زمستان .
- افضلی، رسول. بدیعی ازنده‌ای، مرجان. ذکی، یاشار. کیانی، وحید(۱۳۹۳). قلمرو سازی گفتمانی در ژئوپلیتیک. فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی. (۴)۳. زمستان.
- امیراحمدیان، بهرام(۱۳۸۸). بررسی علل و پیامدهای حضور ایالات متحده در قفقاز. فصلنامه ژئوپلیتیک. (۲)۵. پاییز .
- آجورلو، محمدجعفر. صفوی، سیدیحیی. کفاش جمشید، محمدرضا(۱۳۹۶). افزایش قدرت منطقه‌ای ترکیه و پیامدهای امنیتی آن بر منافع ملی ایران در شرق مدیترانه در مقطع طرمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۴م. فصلنامه ژئوپلیتیک. (۲)۱۳. تابستان.
- ابوالحمد، عبدالحمید(۱۳۸۴). مبانی سیاست. چاپ دهم. جلد اول. تهران، انتشارات توس.
- اشرف، احمد (۱۳۸۳). «بحران هویت ملی و قومی در ایران»، مندرج در: ایران: هویت، ملیت، قومیت، به کوشش حمید احمدی، تهران: انتشارات موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- بنی سلیم، محمد(۱۳۸۷). جلوه‌های پیوستگی در تمدن و فرهنگ ایران. فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن. (۱۵)۴. بهار.
- بنی هاشم، م. ق(۱۳۸۸). چشم‌انداز توازن قدرت در قفقاز در پرتو تحول در روابط ترکیه-ارمنستان، نشریه مطالعات راهبردی، (۴)۱۲.
- بلاکسل، مارک(۱۳۸۹). جغرافیای سیاسی. ترجمه محمدرضا حافظ نیا، عطاله عبدی، حسین ربیعی و عباس احمدی، تهران: نشر انتخاب.
- بوزان، ب. ویور. ا. (۱۳۸۸). مناطق و قدرت‌ها، ترجمه رحمان قهرمان پور، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پوراحمدی میبلی، حسین. پدین، محمد(۱۳۹۸). عوامل تأثیر گذار بر روابط ج.ا.ایران و ج.آذربایجان از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۶. فصلنامه علمی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی. (۳)۱۱. شماره ی پیاپی ۶۱. بهار.
- ثریا، جمشید(۱۳۸۹). همگرایی منطقه‌ای قفقاز جنوبی: موانع و چالش‌ها از منظر جمهوری اسلامی. فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل. (۱۲)۳.
- ثمودی پبله رود، علیرضا و اکبری، محمد (۱۳۹۱)، «پوتین؛ تغییر یا تداوم سیاست خارجی روسیه در دوره جدید»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۷.

جانسیز، ا. صالحیان، ت. (۱۳۹۳). نگاه نو به رقابت ایران و ترکیه در کسب قدرت منطقه ای، پژوهش های روابط بین الملل، ۱۹(۱).

جعفری ولدانی، اصغر. صفوی همای، سیدیجی. حکیم، حمید (۱۳۹۴). تغییرات ژئوپلیتیکی قفقاز و تأثیر عوامل ثابت ژئوپلیتیکی حاصل از آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه آفاق امنیت. ۸(۲۸). پاییز. لینک سایت: https://ps.ihu.ac.ir/article_200500.html

جباری، ولی (۱۳۸۹). شیعیان گرجستان. شماره ۶. تیرماه. قابل دسترس در سایت: hawzah.net
جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۸). چالش ها و منازعات در خاورمیانه. چاپ اول. تهران: انتشارات مطالعات راهبردی حافظ نیا. م. ر. احمدی پور، ز. بدیعی، م. (۱۳۷۸). تحلیل مبانی جغرافیایی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران (پروژه تحقیقی)، فصل اول، مبانی نظری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

حافظ نیا، م. ر. (۱۳۸۹). قدرت و منافع ملی (مبانی، مفاهیم و روش های سنجش). چاپ دوم. تهران: نشر انتخاب. حافظ نیا، م. ر. (۱۳۹۰). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. چاپ سوم. تهران: انتشارات پژوهشکده ایامیرکبیر. درج، حمید، ۱۴۰۲، سیاست خارجی ترکیه در قفقاز جنوبی و تأثیر آن بر قلمروی نفوذ این کشور در منطقه (فصلن ۲۲-۱۹۹۱)، جغرافیا و توسعه ناحیه ای، انتشار آنلاین.

رضایی، محسن (۱۳۸۴). ایران منطقه ای. چاپ دوم. تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح. زارع، محمد (۱۳۸۸). علل اسلام گرایی در ترکیه. تهران: انتشارات مؤسسه اندیشه سازان نور گودرزی، مهناز، معبودی نژاد، فرشته، ۱۳۹۵، در مقاله خود با موضوع قدرت نرم ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۳.

کولایی، الهه، گودرزی، مهناز، (۱۳۹۴)، تأثیر تحولات روابط ارمنستان و ترکیه بر روابط ارمنستان و ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال یازدهم، شماره ۱.

شریفی طراز کوهی، حسین، جعفرزاده، منصور، جعفرزاده، منصور. (۱۳۹۴). مناسبات سیاسی، امنیتی ایران و ترکیه در راستای تبدیل شدن به قدرت منطقه ای. مدیریت و پژوهش های دفاعی، ۱۲(۷۱).

محمود اوغلی، رضا، ابراهیمی، مرتضی، فتاحی اردکانی، حسین، (۱۴۰۱) جنگ دوم قره باغ (۲۰۲۰)، علل، زمینه ها و پیامدها، نشریه علمی سیاست دفاعی، سال ۳۱، شماره ۱۱۹. [Dor: 20.1001.1.10255087.1401.31.2.3.2](https://doi.org/10.1001.1.10255087.1401.31.2.3.2)

مسیبی، مهدی، مصدق، مسعود، منیری، کامل، (۱۴۰۱)، تأثیر سیاست های منطقه ای ترکیه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (سال های ۲۰۱۵ الی ۲۰۲۰)، فصلنامه مطالعات جنگ، دوره ۴، شماره ۱۵.

منابع انگلیسی

Abbasov, Shahin (12. Jan.2004) "Azerbaijan Mulls Stronger US Ties", Eurasia Insight, www.eurasianet. Org.

Alison, Graham and Buskirk, Emily Van (March.19.2001) "U. S. Foreign Policy on Caspian Energy Development and Exports", Boston, Harvard University, Caspian Studies Program.

- Azerbaijan, Turkish Policy", Available at: <http://www.turkishpolicy.com>. (accessed on: 15 May. 2011). 2.Dadak, CasimirP 96.
- Baban, Inessa and Shiriyev, Zaur (2010), "The South Caucasus Strategy and Balakishi, Samir(2016), Eurasian Economic Union: Russia's New Foreign Policy in the South Caucasus, Maastricht Scholl of Management.
- BBC Monitoring Middle East(2009).
- Buzan.Bary(1985). People states and fear: the National security problem in international relation : Karverter wheatsheat 1985, p.20.
- Chivers , Celvin(2006).Violence Flares in Russia s Caucasus, International Herald Tribune, 48.
- Chkoidze, Archil (2014). Rossiya ne Ispol'zuet Potentsial Svoikh Storonnikov,Kotorye est' v Gruzii. NewsGeorgia,
- Dietzen, Mark (2012), "Yes, You can Say 'Genocide,' Mr. President", Yale Journal of International Affairs, 16 March.
- Flint, C. Introduction to Geopolitics. Obingdon: Routledge.2006.
- Flint, Colin. , Introduction to Geopolitics, First published. London and New York: Routledge.p55. 2006.
- Hafeznia, Mohammad Reza, Principles and concepts of geopolitics, Mashhad: Papoli Publication [In Persian]. p120. 2006.
- Hallinan, Hallinan, Conn (2009), "Blood and Oil in Central Asia", Foreign Policy, Available at:<http://www.ips-dc.org/articles>, (accessed on, 19 Jan. 2011).
- Jackson, David (2011), "Obama Treads Carefully between Armenia and Turkey", USA Today, 25 April.
- Jenkins, Gareth. (2010), "On the Edge – The AKP shifts Turkey's Political Compass", Jane's Intelligence Review, vol.2, no.15 August.
- Kalicki, Jan H (Jan/Feb.2000)"Caspian Energy at the Crossroads", Foreign Affairs, Vol. 7, No. 1.
- Kaya, M.K. (2009), "The Eastern Dimension in Turkish Foreign Policy Grows" , Turkish Analyst, VOL.2, NO. 18.
- Konstantin Golub (2015), Russia and Energy Security in the South Caucasus Koolae, Elaheh And Hafezian, Mohammad Hossien.)2010(. The Islamic
- Landau, Jacob (2009), «Pan-Islam», in: The Encyclopedia of the New World of Islam, Vol. 2, Edited by John Esposito, Translated by Hassan Taremi and Mohammad Dashti, Tehran: Reference Book Publications. P22.
- O'Loughlin, James Vincent (1994), Dictionary of Geopolitics, First Published. United States of America: Greenwood Publishing Group.p 89. 1994.
- Onis, Ziya & Suhnas Yilmas, (2009), "Activism in Turkey during the AKP Era", Turkish Studies, VoL. 10, No.1, March.
- Republic of Iran and the South Caucasus Republics. IranianStudies,volume 43,Number 3,pp1-19.
- Sander Sander, Aaro G. (2006), "US-Russian Energy Security in the Caucasus: Sardashti, Fahimeh, and Hamid Ahmadi.)2016(. "The Surrounding Regions of Iran and the Regionalism in Foreign Policy of Islamic Republic of Iran." J.Pol.&L. 9,pp 1-13.

